

## یادداشت بر چاپ ششم

اکنون حدود هشت سال است که از چاپ اول کتاب *تاریخ ایران باستان* (۴): *تاریخ سیاسی ساسانیان* می‌گذرد. در طی این مدت، تدریس آن در کلاسهای رشته تاریخ و بحث در باب برخی جزئیات مطالب آن، نگارنده را بر پاره‌ای از کمبودها و خطاهای کتاب آگاه ساخت. عده‌ای از همکاران و دوستان نیز پیشنهادهای مفیدی ارائه کرده، بر نگارنده منت نهادند. با این همه، تدارک تمامی کمبودها و اصلاح همه خطاهای کتاب در مجال اندک مقدور نیست. نگارنده می‌اندیشد جبران این نقصها وابسته به طرحی نو است که بازنویسی تمامی متن را می‌طلبد و از خداوند منان توفیق در آن را مسئلت می‌کند. در این چاپ بخش کوتاهی به نام «درآمد» افزوده و مطالبی درباره منابع تاریخ ساسانی در آن مطرح شد.

پیش‌تر، چنان‌که در مقدمه چاپ اول گفته‌ام، تألیف این کتاب در شرایطی بحرانی و دشوار برای نگارنده مقدور گشت و در پایان آن دوران محنت، فرهنگ ایرانی یکی از فرزندان بزرگ خود را از دست داد: دکتر عبدالحسین زرین‌کوب! از این رو، اگر برخی خطاها و کمبودها در کتاب مشاهده می‌شود، محصول همان دوران رنج و سختی نگارنده است و وجود شریف مرحوم استاد دکتر عبدالحسین زرین‌کوب در این نقصهای احتمالی هیچ‌گونه نقشی نداشته است. خدایش بیامرزد!

دکتر روزبه زرین‌کوب

عضو هیئت علمی گروه تاریخ دانشگاه تهران

مرداد ۱۳۸۷

## مقدمه

اردشیر بابکان مؤسس سلسله ساسانی، حکومتی را در ایران بنا نهاد که وجود تمرکز در حکومت، وحدت تمامی سرزمینهای ایرانی و برقراری دین زرتشتی به عنوان کیش رسمی ایرانیان، از ویژگیهای عمده آن بود. برآمدن و ظهور ساسانیان، سرچشمه یک سلسله دگرگونیهای سیاسی، اجتماعی، دینی و اقتصادی در حیات مردم ایران گردید. این دگرگونیها به ویژه در زمینه مسائل دینی و ساختار سیاسی به سرعت خود را نمایان ساخت. بدیهی است که این تغییرات بدون سابقه و پیشینه اجتماعی، عملی نشد و روی کار آمدن اردشیر بابکان و تأسیس سلسله ساسانی، نمود ظاهری آمادگی جامعه ایرانی برای قرار گرفتن در جریان این تغییرات و تحولات بود.

با استقرار خاندان ساسانی بر تخت سلطنت ایران، ساختار تازه‌ای از قدرت و حاکمیت در ایران شکل گرفت. این ساختار از ابتدا مبتنی بر اتحاد دین و دولت بود، اما در مدت بیش از چهار قرن، حکمرانی این سلسله همواره روند یکنواختی نداشت و ساختار قدرت و حاکمیت ساسانیان به علت بروز رویدادهای داخلی و خارجی در تحول و تطور بود. قدرت سلطنت وقتی به اوج می‌رسید که قدرت نجبا و روحانیان زرتشتی کاستی می‌گرفت و زمانی در نقطه ضعف بود که قدرت و حاکمیت در دست اشراف و موبدان قرار داشت. این کشش و کوشش پیوسته بین دو طرف در جریان بود.

در روزگار فرمانروایی ساسانیان، اوضاع سیاسی و اجتماعی ایران دستخوش تغییر و تحول بود و این مسئله در شکل سازمان و تشکیلات حکومتی نیز تأثیر

می گذاشت. دهقانان که نجبای درجه دوم محسوب می شدند و امور محلی را به ارث اداره می کردند، از عهد خسرو انوشیروان به بعد نقش مهم تری در مسائل کشوری یافتند و قدرت این طبقه تا پایان عهد ساسانی رو به فزونی بود. فرمانروایان محلی (شاهان کوچک) نیز که با برافتادن سلسله ملوک الطوائفی اشکانی، از جانب حکومت ساسانی برگزیده می شدند، پس از روزگار خسرو پرویز به سبب ضعف قدرت مرکزی، فرصت یافتند تا در نقاطی از ایران، حکومت‌های موروثی ایجاد کنند. به هر حال سلسله ساسانی، با تشکیل یک نظام حکومتی منظم و ایجاد تشکیلات سیاسی و اداری نسبتاً پیچیده و بسامان، توانست به تدریج با احیای قدرت و نفوذ ایران در دنیای آن روزگار، حتی تشکیلات حکومتی خود را سرمشق حکومت‌های پس از خویش قرار دهد.

در این کتاب کوشش شده است که تاریخ سیاسی ساسانیان به طور مجمل بررسی شود و با معرفی منابع مهم تاریخ این دوره، خواننده در مسیری قرار گیرد که بتواند خود را برای مطالعات عمیق تر آماده سازد. همچنین سعی بر این بوده است که با بهره گیری از بعضی پژوهش‌های ارزشمند جدید، خواننده کنجکاو به سوی تدقیق و تحقیق بیشتر هدایت شود. این کتاب با راهنمایی و زیر نظر زنده یاد استاد دکتر عبدالحسین زرین کوب - رضوان الله علیه - نوشته شد. نگارنده این سطور، در جریان تألیف کتاب مشکلات و سؤالات متعدد خود را در محضر استاد مطرح می کرد و همیشه با راهنماییهای مُفَنع و مستدل پاسخ خود را می یافت.

این مقدمه در زمانی نوشته می شود که استاد بزرگ ما، دیگر در میان ما نیست. پیش تر قرار بر این بود که مجلدات دوم، سوم و چهارم *تاریخ ایران باستان* در مجموعه انتشارات سازمان سمت به وسیله مرحوم دکتر عبدالحسین زرین کوب و اینجانب نوشته شود. اما بیماری جانکاه استاد که شعله پرفروغ زندگی ایشان را اندک اندک می کاست، مانع عملی شدن این طرح بود. سرانجام در محضر استاد تصمیم گرفتیم که به دلایلی، جلد چهارم *تاریخ ایران باستان (تاریخ سیاسی ساسانیان)* زودتر نوشته شود. کار، نزدیک به اتمام بود که بیماری استاد شدت یافت و ایشان به

اصرار اطباء، برای ادامه درمان مجبور به مسافرت به خارج از کشور شدند. در تمام این مدت، نگارنده در انتظار بازگشت همراه با سلامت استاد بود تا دنباله کار را نیز در محضر پرفیض ایشان پی گیرد و مجلدات دوم و سوم این مجموعه را نیز از سواد به بیاض آورد، اما مقدر چنین نبود. وقتی استاد دکتر عبدالحسین زرّین کوب پس از مسافرت چندماهه، به کشور بازگشتند، ضعف مفرط و عوارض ناشی از بیماریها و تحمل مرارت مراحل مختلف درمان، توان مقاومت را از آن وجود شریف سلب کرد و عاقبت در ۲۴ شهریور ۱۳۷۸، استاد بزرگ ما به دیدار حق شتافت؛ که: «از شمار دو چشم یک تن کم / وز شمار خرد هزاران بیش». روانش شاد و یادش گرامی باد. ان شاء الله.

دکتر روزبه زرّین کوب

عضو هیئت علمی گروه تاریخ دانشگاه تهران

## درآمد: مروری بر منابع پژوهش در تاریخ ساسانی

عصر ساسانی از نظر تعدّد و تنوع منابع پژوهش موجود در قیاس با دوره‌های پیش از خود سرشار و غنی است و این موضوع، نکته‌ای قابل توجه است، زیرا سبب می‌شود مورخ یا محقق تاریخ ساسانی با اطمینان خاطر بیشتری به کار پژوهش پردازد. در عین حال، شک نیست که برحسب موضوع تحقیق میزان کاربرد این منابع نیز متفاوت خواهد بود و پژوهشگر به ناچار از میان مدارک و شواهد گوناگون باید به جستجوی نکته‌های مورد نظر خود برآید و با کوششی پی‌گیر برای اتصال منطقی میان آنها، به تحلیل اخبار پردازد.

با این همه، در مقایسه با گستره زمانی و جغرافیایی حاکمیت ساسانیان و با توجه به اهمیت عصر ساسانی در تاریخ ایران، شرق نزدیک و جهان متمدن آن روزگار (سده‌های ۳-۷م)، مجموع این منابع و مدارک بسیار اندک است و این نکته، اهمیت شناخت و نقد منابع تاریخ ساسانی و دقت در طبقه‌بندی این مدارک را به مورخ گوشزد می‌کند.

در سالهای اخیر، تحول چشمگیری در استفاده از منابع تاریخ ساسانی روی داده، و به‌ویژه، از دهه هفتاد سده ۲۰م، توجه به استفاده از اشیاء و مدارک مادی (مانند سکه‌ها و مهرها) پنجره‌های جدیدی به روی مورخان عصر ساسانی گشوده است. به این ترتیب، اینک برخلاف مطالعات دانشمندان بنیان‌گذاری چون جرج راولینسن، تئودر نولدکه و آرتور کریستن سن پژوهش در تاریخ ساسانی تنها مبتنی بر استفاده از متنها و مدارک کتبی نیست. البته متنها و نوشته‌ها هنوز برای درک درست

تاریخ ساسانی اهمیت بسیار دارند، اما باید با استفاده از مدارک مادی و نیز با توجه به نقد منابع کتبی، اطلاعات به دست آمده از نوشته‌ها و کتابهای قدیم را اصلاح کرد. برای درک بهتر عصر ساسانی و استفاده دقیق و علمی از منابع تاریخ این دوران می‌توان منابع عصر ساسانی را به دو دسته کلی اصلی و فرعی تقسیم کرد. منابع اصلی تاریخ ساسانی مدارک هم‌زمان یا نزدیک به زمان وقوع حوادثند، و منابع فرعی مدارکی هستند که در روزگاران پس از سقوط ساسانیان تدوین شده‌اند. با این همه، جدا کردن منابع اصلی و فرعی از یکدیگر و تمیز قایل شدن میان آنها کار آسانی نیست، به‌ویژه آنکه بخشی از منابع اصلی تاریخ ساسانی نوشته‌ها و مدارک کتبی هستند. در واقع، منابع اصلی شامل دو دسته، مدارک مادی و مدارک کتبی، است. در مدارک کتبی همیشه احتمال حذف، تغییر و تحریف واقعیت یا بخشی از واقعیت وجود دارد. بنابراین، هدف هر نویسنده (اعم از نویسنده کتبی یا کتاب) و منافع و مصالحی که نوشتن آن متن را لازم کرده است، سبب می‌شود که مورخ آگاه همیشه به متنها و مدارک کتبی با قدری تردید بنگرد و استفاده از هر نوشته یا کتابی را مشروط بر نقد علمی و مقایسه آن متن با مدارک و شواهد دیگر سازد. اما به هر حال، منابع اصلی نشان‌دهنده طرز تفکر، تلقی و رفتار مردمان روزگار وقوع حادثه است. این مردمان، اعم از ایرانیان عصر ساسانی، دوستان و یا دشمنان آنان، آثار مادی و کتبی خود را با اندیشه مخصوص به زمان خویش به وجود آورده‌اند.

منابع فرعی متنهایی هستند که هرچند براساس نوشته‌هایی کهن و اصیل تدوین شده‌اند، اما قرن‌ها یا سالها با زمان وقوع حوادث فاصله گرفته‌اند و بی‌شک طرز تلقی و باورداشت نگارنده آنها نیز از وقایع در طی زمان، و با تغییر در اعتقادات، خواسته‌ها و جهان‌شناسی مردمان، دگرگون شده است.

در بخش‌بندی منابع عصر ساسانی به اصلی و فرعی، ملاک گزینش در هر کدام از این دو دسته، مبنای زمانی است که نشان می‌دهد مدرک مورد نظر در زمان وقوع حادثه به وجود آمده است یا پس از آن. با این همه، این مبنای ارزیابی

منابع کافی نیست، زیرا تمامی منابع فرعی تاریخ ساسانی که شامل نوشته‌های پهلوی، فارسی و عربی است، بر پایه متنهاى اصیل کهن تری تدوین شده‌اند. در عین حال، از آنجا که آن متنهاى اصیل کهن به تدریج از میان رفته‌اند و اینک دسترسی به آنها ممکن نیست، منابع فرعی - در صورتی که مطالعه آنها بر اساس نقد علمی انجام گیرد - می‌توانند آگاهیهای قابل توجه و ارزشمندی به مورخ تاریخ ساسانی عرضه کنند و از این رو، اهمیت آنها را نمی‌توان نادیده گرفت.

به هر حال، باید به یاد داشت که تنها با استناد به مدارک مادی، چون بناها، سکه‌ها، مهرها، پاپيروس‌ها و مانند آنها نمی‌توان هیچ دوره‌ای را تدوین کرد، زیرا جزئیات وقایع تنها در مدارک کتبی و متنهاى تاریخی بیان می‌شوند و بدون استفاده درست و منطقی از این گونه منابع نگارش تاریخ واقعی ایران در عصر ساسانی امری غیرممکن است. باری، مدارک کتبی - چه جزو منابع اصلی باشد، چه فرعی - باید با استفاده از مدارک مادی مورد بررسی و مذاقه قرار گیرد.

منابع پژوهش در تاریخ ساسانی در مروری کلی عبارت‌اند از:

### الف) منابع اصلی

۱. مطالعات باستان‌شناسی و تاریخ هنر ساسانی، شامل پژوهش در معماری کاخها، آتشکده‌ها، دژها و پلها، و نیز اشیاء هنری و سنگ‌نگاره‌ها.
۲. کتیبه‌ها، شامل کتیبه‌های دولتی، خصوصی و سنگهای مزار.
۳. متنهاى مانوی.
۴. پاپيروس‌ها، پوستها و خرده سفالها.
۵. مهرها و مهرواره‌ها.
۶. سکه‌ها.
۷. منابع یونانی و رومی.
۸. منابع ارمنی.
۹. منابع سریانی.

۱۰. منابع یهودی.

۱۱. منابع چینی.

### ب) منابع فرعی

۱. متنهای پهلوی، مانند کارنامه اردشیر بابکان، بندهش، دینکرد، شایست ناشایست، روایت پهلوی، گزیده‌های زادسپرم، زند بهمن یسن، ارداویراف نامه، مادایان هزار دادستان، دادستان دینی، شهرستانهای ایران، ...
۲. متنهای باقی مانده از عصر ساسانی (عربی و فارسی)، مانند آیین لاردشیر، عهد اردشیر، و نامه تنسر.
۳. نوشته‌های عهد اسلامی متقدم (عربی و فارسی)، مانند نوشته‌های جاحظ، دینوری، یعقوبی، طبری، مسعودی، حمزه اصفهانی، مطهر مقدسی، بلعمی، ابن ندیم، ابوعلی مسکویه رازی، ثعالبی، ابوریحان بیرونی، ابن عربی و سرانجام فردوسی.
۴. کتابهای جغرافیای اسلامی، مانند نوشته‌های ابن فقیه، ابن خردادبه، ابن حوقل، اصطخری، ابوعبدا... محمد مقدسی، ابن بلخی و یاقوت حموی.